

اشتغال زنان و تغییر وضعیت زن در خانواده

فرنگیس سعیدیان*

چکیده

از زمان ورود زنان به مراکز آموزشی به دنبال آن وارد شدن به بازار کار و تسخیر فضاهای تازه اجتماعی توسط آنان ساخت سنتی خانواده دچار تحول شده است، در ساخت جدید خانواده، کار زن محدود به کار خانه داری و محدود به خانه نمی‌شود، بلکه زنان نیز هم‌دوش شوهرانشان در کارهای خارج از خانه شرکت نموده و منبع درآمد دیگری برای خانواده به حساب می‌آیند این کارکرد جدید زنان یعنی جدا شدنشان از خانه و حضورشان در محل‌های کار برای ساعات طولانی نتایج و مسائل تازه‌ای به وجود آورده است که چه در سطح کلان (جامعه) و چه در سطح خرد (خانواده) قابلیت تحقیق را دارد و اندیشمندان بسیاری در این زمینه پژوهش کرده‌اند. تحقیق حاضر نیز به یکی از پیامدهای اشتغال زن یعنی تاثیر اشتغال بر میزان قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده می‌پردازد. یافته‌های تحقیق حاضر بیانگر تغییر در بستر فرهنگی جامعه و افزایش قدرت تصمیم‌گیری زنان در چارچوب خانواده می‌باشد.

مقدمه

شرایط جدید زندگی در جهان امروز، تغییراتی در خانواده ایجاد کرده است، یکی از اساسی‌ترین تحولات خانواده در عصر حاضر به جدا شدن زن از خانه و حضور در محل‌های کار برمی‌گردد. طی چند دهه گذشته در ایران نیز مانند اکثر کشورهای دنیا، نهادهای آموزشی از جمله مدارس و دانشگاه‌ها گسترش پیدا کرد و دختران نیز همپای پسران در فضاهای آموزشی حضور یافتند و به دنبال آن زنان نیز مانند مردان صاحب تخصص شده و در فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه وارد شدند که خود نتایجی در بردارد که حائز اهمیت است از جمله پیامدهای اشتغال زنان، افقی شدن هرم قدرت و تصمیم‌گیری در واحد خانواده است. که

هدف مقاله حاضر بررسی و تبیین رابطه بین اشتغال زنان و میزان قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده است، اینکه آیا اشتغال زنان بر میزان قدرت تصمیم‌گیری زن در زمینه‌های مختلف، چگونگی محاسبه مخارج روزانه، چگونگی رفت و آمد با بستگان، چگونگی تصمیم‌گیری در امور مربوط به فرزندان، تاثیر گذشته است، و آیا مردان در مواردی که نیاز به همفکری دارند با همسران خویش مشورت می‌کنند یا خیر؟

تعرف مفاهیم

خانواده: برگس و لاک در اثرشان «خانواده» به سال ۱۹۵۳ نوشتند: خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق پیوند زناشویی، همخونی و پذیرش (بعنوان فرزند) با یکدیگر بعنوان شوهر، زن، مادر، خواهر، برادر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی زندگی می‌کنند (ساروخانی، ۲۵۵، ص ۱۳۷۰).

تصمیم‌گیری: تصمیم‌گیری به زبان ساده را می‌توان انتخاب یکی از راه‌های موجود به منظور حل مشکل دانست (صادقپور، ۱۳۷۵، ص ۹۳). منظور از تصمیم‌گیری در متن حاضر، عملی که تصمیم‌گیرنده در موقعیت‌های مختلف در خانواده انجام می‌دهد و نتیجه آن در چارچوب خانواده به نام تصمیم‌گیرنده معلوم می‌شود.

اقتی بودن هرم قدرت در خانواده: در خانواده هسته‌ای، بطور معمول تصمیم‌گیری‌های اساسی خانه از طریق گفتگو تبادل نظر اتخاذ می‌شود، بعضی چون پارسنز بر این عقیده‌اند که چنین خانواده‌ای بسیار عقلانی است، زیرا همواره، عقل و منطق قوی‌تر، حق تصمیم‌گیری می‌یابد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲).

اشتغال: آلن بیرو کار را این چنین تعریف کرده است: کار در معنای معمول آن اشتغالی است که پاداش بر آن مترتب باشد، از دست دادن کار خود به معنای سقوط در بیکاری است، این اصطلاح در معنای جمعی، مجموع فعالیت‌های اقتصادی یک ملت را در ارتباط با افرادی که حائز شرایط کارند، را در بر می‌گیرند (بیرو، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵). توماس سووه در فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی نوشته است: اشتغال یعنی مشغول بودن به کاری که پاداش دارد (سووه، ۱۳۴۵، ص ۲۴۵).

چارچوب مفهومی

بر اساس نظریه میدانی کورت لوین در شناخت رفتارهای اجتماعی و تعامل میان فرد و محیط، با تغییر محیط اطراف، حیات ذهنی فرد نیز دچار تحول می‌شود. بنابراین رفتار هر فردی معمولاً ارتباط فرد با محیط اجتماعی‌اش است. به عبارتی نمی‌توان طبیعت آدمی را مستقل از ساختمان واقعی میدان اجتماعی دانست. (تبریزی، ۱۳۷۰، ص ۴۵) بر اساس نظریه لوین با ورود زنان به مراکز آموزشی، تحصیلات و وارد شدن آنان به بازار کار، قالب‌های ذهنی در مورد زنان تغییر می‌کند و همراه با آنان ساخت سنتی خانواده نیز دچار تغییر می‌شود و زنان نیز در چارچوب خانواده دارای قدرت تصمیم‌گیری می‌شوند.

ماکس وبر قدرت را امکان تحمیل اراده یک فرد بر رفتار دیگران تعریف کرده است (گالبرایت، ۱۳۷۱، ص ۸) و اما قدرت خانگی بدین معنی است که فرد یا افرادی توانایی (بالتوجه یا بالفعل) تغییر رفتار دیگر اعضای خانواده را دارند. منابع قدرت را معمولاً در ارتباط با شاخص‌هایی چون تحصیلات، درآمد، مالکیت، شغل، ... می‌دانند (قندهاری، ۱۳۸۲، ص ۳۳). بنابراین شاغل شدن زنان و کسب درآمد، قدرت تصمیم‌گیری آنان را در مسائل اساسی خانواده افزایش می‌دهد و هرم قدرت در چارچوب خانواده به صورت افقی درمی‌آید.

زنان در دوره‌های مختلف قبل از انقلاب صنعتی

زن در طول تاریخ موجودی فعال و مولد بوده است. اولین هنرمندان زمین زنان بودند اولین بار زراعت بدست آنان انجام شده است، ویل دورانت در این باره می‌گوید: «در اجتماعات ابتدائی قسمت اعظم ترقیات اقتصادی بدست زنان اتفاق افتاده است نه به دست مردان در آن هنگام که قرن‌های متوالی مردان دائماً با طریق‌های کهن خود به شکار اشتغال داشتند، زن در اطراف خیمه زراعت را ترقی داده و هزاران هنر خانگی را ایجاد کرده که هر یک روزی پایه صنایع بسیار مهمی شده است» (فصلنامه پژوهشی، ۱۳۶۹، ص ۳۴).

با این اوصاف زنان در دوران ابتدائی و اولیه زندگی جمعی بشر، مرکزیت محور خانواده بودند، فنون بدست آنان انتقال می‌یافت، انتساب خویشاوندی از سوی زن بود ایدئولوژی مادرسالاری حکمفرما بود، با افزایش جمعیت و گسترش کشتزارها کم‌کم مرد جانشین زن شد «توسعه مالکیت و انباشت سرمایه تقسیم کار را در پی داشت و در شهرها امکان ظهور افشار

پیشه‌ور، روحانی، نظامیان را فراهم آمد که در خدمت ثروتمندان بودند، انباشت کالا توسط عده‌ای معدود منجر به تشکیل جامعه دولتی شد که بر پایه بردگی طبقات اجتماعی و انحطاط وضعیت زنان بنا شده بود» (میشل، ۱۳۷۲، ص ۳۰). بدین ترتیب مردان بازار کار را در دست گرفتند و کمتر زنی پیدا می‌شد که در کارهای خارج از محیط خانه شرکت کنند؛ البته نباید از نظر دور داشت هنوز زنانی بودند که با به دست آوردن تخصص هم چنان زمیندار، بازرگان، صنعتگر... باقی بمانند و در حرفه خود رقبای سرسختی برای مردان باشند ولی در کل این تلاش‌ها برای قدرت مردان اندک بود.

بعد از انقلاب صنعتی در اروپا، کلیسا کم کم اقتدار خودش را از دست داد و سنت‌های مذهبی که بر پای زن بسته شده بود؛ از بین رفت و فرهنگ بورژوازی که فرهنگ آزادی فردی بود جایگزین آن شد؛ البته فرهنگ بورژوا در مورد زنان یک جور عمل نمی‌کرد، طبقات بالا و طبقات پایین جامعه از هم جدا شدند، زنان طبقات بالا بعد از ازدواج هرچه که داشتند در مالکیت مرد بود و حتی جهیزیه زن نیز به مرد تعلق داشت «از نظر حقوقی و تمثیلی، زن بورژوا نابود بود، در خلال قرن نوزدهم نقش همسر در طبقه بورژوا به گونه‌ای روز افزون به مادری مبدل شده بود که از فرزندان خود مراقبت می‌کرد و از فرزندان کوچک خویش نگهداری می‌کرد، اما این کار را با کمک یک پرستار انجام می‌داد و نقش اصلی او در واقع جنبه تربیتی داشت» (سگالن، ۱۳۷۰، ص ۲۵۰).

اما در مورد زنان طبقات پایین جامعه یعنی طبقه دهقان و طبقه کارگر نگرش فرق می‌کرد. صاحبان سرمایه و کارخانه‌داران برای بهره‌کشی از نیروی بدنی زنان با ترفندهایی از قبیل: آزادی زن، تساوی حقوق زن و مرد و استقلال مالی زن، آنان را به کارخانجات کشاندند، این چنین با دستمزد کم نیروی کار خود را تأمین می‌کردند، زنان کارگر ساده علاوه بر کارخانه‌داری و نگهداری از فرزندان، خیلی از کارهای طاقت فرسای دیگری نیز انجام می‌دادند که برای زن طبقه بورژوا پست و خفت‌آور تلقی می‌شد. به هر صورت پای زنان به بازار کار باز شد ولی این فعالیت‌های اقتصادی در بدترین شرایط انجام می‌شد.

این تحولات در اروپا هم زمان با حکومت ایل قاجار در ایران بود، در دوران ۱۵۰ ساله حکومت قاجار، ایران با دنیای غرب ارتباط پیدا کرد، این ارتباط تغییراتی را در ساختار اجتماعی اقتصادی جامعه ایران ایجاد کرد، این دگرگونی بی‌تأثیر بر موقعیت اجتماعی زنان

لافاں در پایتخت و شهر های بزرگ کشور نبود، ترویج افکار جدید به ارمغان رسیده از غرب در زمره هایی به نام تجدد و دوری از خرافه از گوشه و کنار به گوش می رسید که نمونه هایی از اشاعه این افکار را در آثار ایرج میرزا، عشقی، ملکم خان و... می توان یافت. به این ترتیب شبکه ارزش های سنتی سست شد و زن ایرانی کم کم وارد بازار کار گردید.

زن و اشتغال

همان طور که عنوان شد از زمان های قدیم و بیدایش جامعه انسانی، زن و مرد هر دو برای حفاظت خود در برابر مشکلات طبیعت کار می کردند و با گذشت زمان کم کم در بین جوامع ابتدایی تقسیم کار میان زن و مرد به وجود آمد. مردان به شکار مشغول بودند و زنان به پرورش گیاه، جمع آوری میوه و تربیت فرزندان می پرداختند که به قول دورکیم این تقسیم کار لازمه همبستگی و انسجام اجتماعی بوده است. «در جوامع ساده تر که در آنها تقسیم کار هنوز در مرحله ابتدایی است این تنها نوع انسجام اجتماعی است که دورکیم به آن نام «همبستگی مکانیکی» داده است» (کیدنز، ۱۳۶۳، ص ۱۸۰).

کار کردن زن همچون دیگر بدیده های اجتماعی از زمانی به زمان دیگر متحول می گردد. زمانی با کج بیل بر روی تکه زمین های کوچک کشاورزی می کرد، گله داری، خلق صنایع دستی در خانه، که مادر صنایع بزرگ امروزی هستند ولی این گونه فعالیت ها که زن در محوطه خانه انجام می داد شغل محسوب نمی شود، بلکه کارهایی بودند که جزء امور خانگی محسوب می شدند و زن در ازای انجام آنها مزدی دریافت نمی کرد. اشتغال زن یعنی فعالیتی که در خارج از خانه انجام می داد و در ازای آن مزد دریافت می کرد با وقوع انقلاب صنعتی در اروپای غربی به وجود آمد، طی این تحول بزرگ کارگاه های کوچک خانگی به کارخانه های بزرگ جویای نیروی کار تبدیل و به دنبال این تحول بزرگ فعالیت اقتصادی زن از خانه به کارخانه کشیده شد و بدین ترتیب زن به بازار کار قدم گذاشت.

آن چه متن حاضر مد نظر دارد تغییراتی است که همراه با وارد شدن زنان به بازار کار به وجود آمد، همانطور که انتظار می رفت حضور زن در فعالیت های اقتصادی، نگرش زنان را نیز تحت تاثیر قرار داد و این امری بدیهی است. با تغییر محیط و عوامل بیرونی، نگرش انسان نیز همراه با آن تغییر می کند.

با ورود زنان به بازار کار و فعالیت در خارج از خانه به خودباوری رسیدند این تحول درونی آنان را برآن داشت که خواستار تغییراتی در وضعیت جامعه باشند، «حقوق را باید مطالبه می‌کرد همانگونه که مدافعان حقوق زنان از آغاز تاکنون چنین کرده‌اند، مری‌وستون کرافت مدافع حقوق کلاسیک زنان در قرن نوزدهم، می‌کوشید زنان را ترغیب کند که تلاش کنند. قدرت به دست آورند» (البرو، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

بنابراین زنان بعد از ورود به بازار کار و دستیابی به قدرت اقتصادی، سعی کردند خلایق و کارایی خودشان را در زمینه‌های مختلف زندگی اجتماعی نشان دهند. از جمله تغییراتی که با اشتغال زن ایجاد شد تغییر ساختار قدرت تصمیم‌گیری زنان در چارچوب خانواده می‌باشد. در جامعه سنتی طرز تفکر در اجتماع برپایه پایگاه محول است و یکی از شاخص‌های جامعه سنتی برای سنجش و تفاوت گذاشتن بین افراد جامعه جنسیت است که در این تقسیم‌بندی جنس برتر و جنس اول مردان هستند که بنابر تئوری تضاد کالینز قدرت در اختیار مردان است و وقتی یک جنس قدرت را در اختیار دارد از این قدرت برای اعمال سلطه بر جنس ضعیف‌تر استفاده می‌کند، بنابراین برای این که کلیت نابرابری بین دو جنس کاهش پیدا کند جنس ضعیف‌تر باید راهکارهایی را به کار برد تا بتواند قدرت جنس برتر را تا حدودی کاهش دهد (زنجانی‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۲۴۴).

در عصر حاضر اشتغال زنان تا حدودی می‌تواند راهکارهایی برای کنترل قدرت جنس برتر باشند. با وارد شدن اشتغال زنان به عنوان یک پدیده جدید به ساختار جامعه سنتی، تغییراتی را ایجاد کرده و نتایجی به بار آورده است که یکی از این تغییرات، تاثیر اشتغال بر قدرت تصمیم‌گیری زن در خانواده و افقی شدن هرم تصمیم‌گیری در خانواده است. در این زمینه دیده می‌شود که تا حدودی زنان توانستند در مسائل مختلف خانواده دارای ایده باشند و ابراز عقیده کرده و تصمیم‌گیری نمایند به طوری که این تحول در جامعه از درصد بالایی برخوردار باشد دوران گذر از جامعه سنتی را نشان می‌دهد.

بر این اساس مقاله حاضر با تحقیق در شهرستان ایلام به عنوان جامعه‌ای با فرهنگ تقریباً سنتی سعی کرده میزان تاثیر اشتغال بر قدرت تصمیم‌گیری زنان در خانواده را مورد بررسی قرار دهد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

با توجه به این که تحقیق حاضر در شهرستان ایلام صورت گرفته است نگاه مختصری به این استان می‌شود.

ایلام در گوشه ی غربی کشور واقع شده است، این استان از جنوب به خوزستان، از شرق به لرستان و از شمال با کرمانشاه همسایه است و پیش از ۴۰۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد (گزارش جامع اقتصادی- اجتماعی استان ایلام، ۱۳۷۸).

مردم استان ایلام بیشتر عشایرند که به لحاظ قومیت و همبستگی و وصلت‌های خانوادگی با هم ارتباط دارند، طوایف و ایلات زیادی در استان ایلام زندگی می‌کنند (درخشنده، ۱۳۷۳، ص ۵۰).

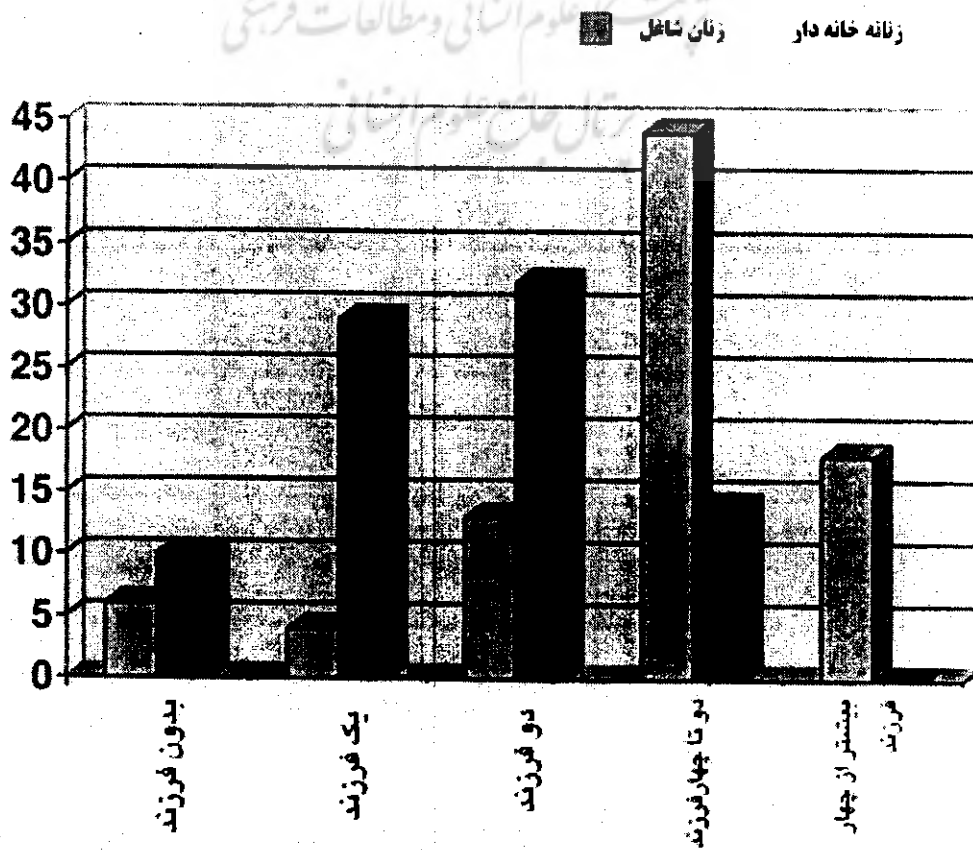
این طوایف از اقوام مختلف لر، کرد، لک، عرب هستند که خود تنوع گویش در این استان میب شده‌اند، یعنی مردم این استان به گویش‌های کردی، لری، لکی، عربی صحبت می‌کنند، که با وجود این تنوع، از نظر دینی، بسیار متجانس هستند (گزارش جامع اقتصادی- اجتماعی استان ایلام، ۱۳۷۸، ص ۱۱).

استان ایلام به لحاظ توسعه انسانی دارای وضعیت مطلوبی نمی‌باشد، به طوری که از نظر شاخص توسعه انسانی رتبه ۲۲ و از نظر معیار توانمندی بر حسب جنسیت رتبه ۱۸ را در میان ۲۸ استان کشور را داراست (صفوی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۷). سهم زنان در کل نیروی کار بزرگسالان استان حدوداً ۱۱ درصد بوده و سهم نسبی زنان از درآمد استان به حدود ۹ درصد (۸/۸ درصد) محدود گردیده است (همان منبع، ۲۷۸). لازم به ذکر است همین محدودیت باعث تشدید قدرت تصمیم‌گیری مرد در زندگی روزمره شده است و مردان به لحاظ داشتن سهم بیشتر از منابع درآمد خانواده، در امور زندگی تصمیم‌گیرنده نهایی هستند. بر همین اساس این نوشته با تحقیقی در بین زنان متأهل شاغل در ادارات مختلف شهرستان ایلام (۸۵) نفر و برای تکمیل بررسی تعداد (۸۵) نفر از زنان خانه‌دار را بعنوان جامعه مورد مقایسه بررسی نموده است، اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه به دست آمده است.

یکی از یافته‌های نوشته حاضر، سهم اشتغال زنان در تنظیم خانواده و کنترل جمعیت می‌باشد

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی فرزندان زنان شاغل و زنان خانه دار

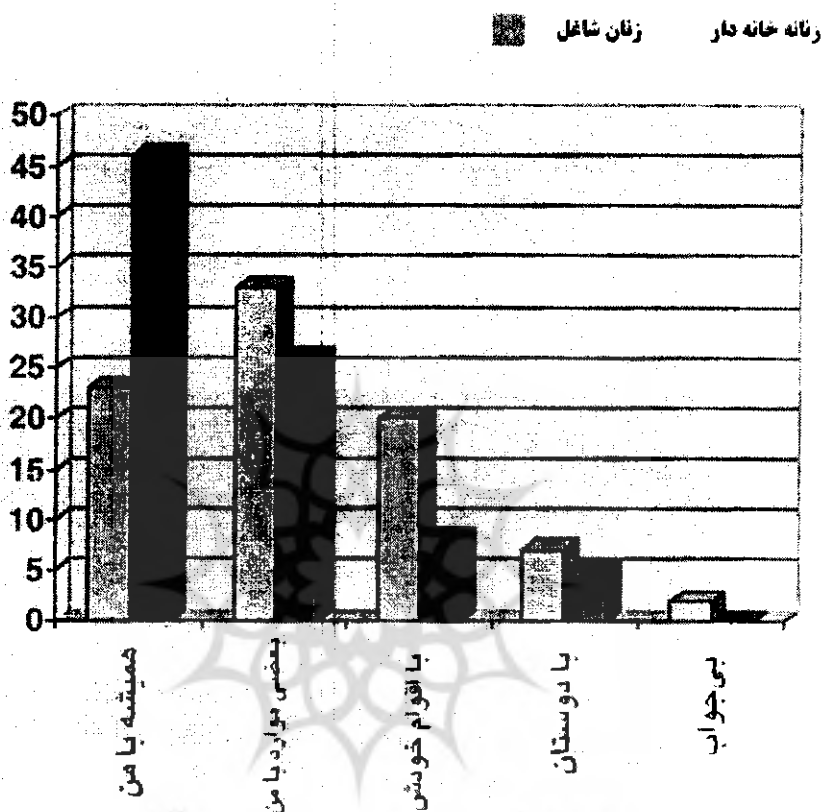
جمع	زنان خانه دار	زنان شاغل	وضعیت اشتغال زنان تعداد فرزند
۱۶	۶ ۷/۰۵	۱۰ ۱۶/۴۷	بدون فرزند
۳۳	۴ ۴/۷	۲۹ ۳۷/۶۴	یک فرزند
۴۵	۱۳ ۱۵/۲۹	۳۲ ۳۱/۱۳	دو فرزند
۵۸	۴۴ ۵۱/۷۹	۱۴ ۱۱/۷۶	دو تا چهار فرزند
۱۸	۱۸ ۲۱/۱۷	-	بیشتر از چهار فرزند
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع



با توجه به توزیع فراوانی تعداد فرزندان در بین زنان شاغل و خانه دار نشان دهنده ارتباط بین اشتغال زنان و کاهش تعداد فرزندان است، کاهش فرزندان از طرفی نیز باعث پایداری شدن حضور زن در فعالیت‌های اقتصادی خارج از خانه میشود «کاهش تعداد فرزندان در خانواده، به آزاد شدن زنان از امور خانه داری منجر می شود، اگر در حال حاضر، بیشتر زنان ایرانی برای تربیت بیش از ۶ فرزند که در طول دوران باروری خود به دنیا می آورند، بناچار بار خانه داری و تربیت فرزندان را به طور تمام وقت بدوش می کشند و بخش بسیار کوچکی از آنها می توانند وارد بازار کار و فعالیت شوند با محدودتر شدن تعداد فرزندان و افزایش حمایت‌های اجتماعی و توسعه سازمانهای پیش آموزشی، وقت بیشتری برای کار و اشتغال بدست خواهند آورد» (زنجانی، ۱۳۷۳، ص ۱۴۱)

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی میزان مشورت کردن مردان با زنان در مسائل مختلف

جمع	وضعیت اشتغال زنان		مشورت مردان با زنان
	زنان شاغل	زنان خانه دار	
۶۹	۴۶	۲۳	همیشه با من ۵۳/۳۵
۵۹	۲۶	۳۳	بعضی موارد با من ۳۱/۰۵
۲۸	۸	۲۰	با اقوام خودش ۹/۷۲
۱۲	۵	۷	با دوستان ۵/۸۸
۲	۰	۲	بی جواب ۲/۳۸
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع

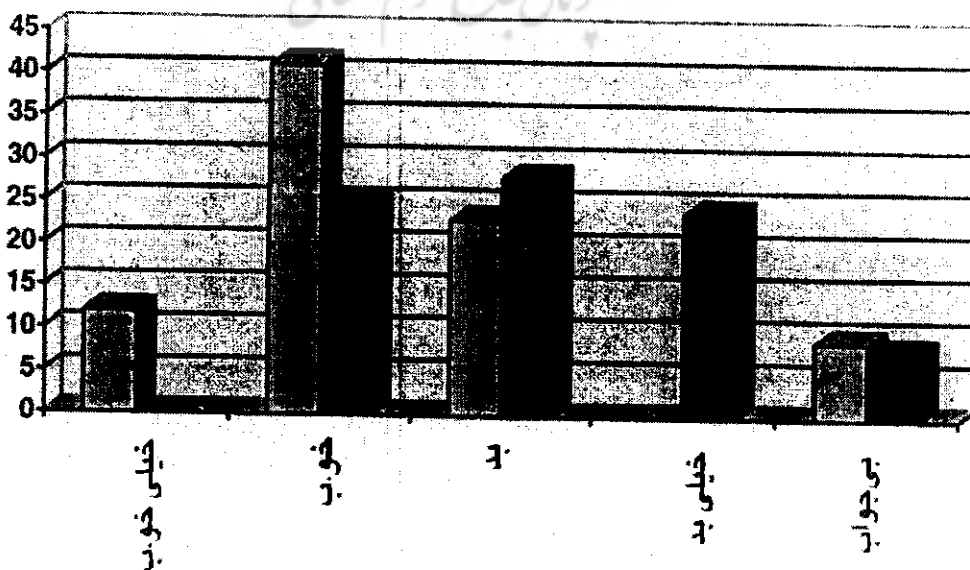


با توجه به توزیع فراوانی میزان مشورت با زنان، شوهران زنان شاغل بیشتر از شوهران زنان خانه‌دار با همسران خود مشورت می‌کنند، بنا به گفته زنجان‌زاده «مطالعات نشان می‌دهد که هر چه زن تحصیل کرده‌تر باشد، زوجین از نظر احساسات به یکدیگر نزدیک‌تر هستند و تصمیمات را با یکدیگر می‌گیرند (زنجان‌زاده، ۱۳۷۳، ص ۱۵۱). در ضمن با توجه به صحبت‌های خانم‌های خانه‌دار بحث آنان بیشتر حالت توییح یا نکوهش شوهران‌شان را دارند، در حالی که زنان شاغل بیشتر حالت همفکری و ارائه راه حل است.

جدول شماره ۳: توزیع فراوانی نظر شخصی زنان در مورد موقعیت زن در شهرستان

جمع	زنان خانه دار	زنان شاغل	وضعیت اشتغال زنان
			نظر شخصی زنان
۱۲	۱۲ ۱۴/۱۱	-	خیلی خوب
۶۶	۴۱ ۴۸/۳۶	۲۵ ۲۹/۴۱	خوب
۵۱	۲۳ ۲۷/۰۵	۲۸ ۳۲/۹۸	بد
۲۴	- ۰	۲۴ ۲۸/۲	خیلی بد
۱۷	۹ ۱۰/۵۸	۸ ۹/۴۱	بی جواب
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع

■ زنان شاغل □ زنانه خانه دار



با توجه به جدول توزیع فراوانی بطرات زنان در مورد موقعیت زن در شهرستان ایلام زنان شاغل نسبت به وضعیت کلی زن در شهرستان نظر مثبتی نداشتند، با توجه به اینکه نابرابری جنسی و محدودیت های فرهنگ سنتی باعث عدم دسترسی زنان به خواسته های مورد

نظرشان در بستر اجتماعی می شود و از طرفی بالا بودن میزان آگاهی زنان شاغل و با خبر بودن از وضعیت مطلوب زنان در جوامع دیگر، باعث نگرش نامساعد زنان شاغل به وضعیت زن در سطح شهرستان خواهد شد. به طوری که ۵۲ نفر (۶۱/۲۱٪) از زنان مورد بررسی وضعیت زن در شهرستان را بد و خیلی بد دانسته اند و الفاظی مانند کلفت، برده، انسان نیست،... به کار برده اند. (سوال مورد نظر به صورت باز و نظر شخصی پاسخگو بوده است.) در حالی که زنان خانه دار چون هنوز در قالب‌های ذهنی سنتی می اندیشند، وضعیت زن در شهرستان را زیاد نامناسب ندیدند. و اما آنچه نوشته حاضر بررسی می کند، تحلیل میزان تصمیم گیری در واحد خانواده است. بر همین اساس نظرات زنان شاغل در مورد میزان تصمیم گیری در بعضی از مسائل اساسی خانواده در مقایسه با نظرات زنان خانه دار در زمینه‌های مورد نظر بررسی شده است و نتایج ذیل بدست آمده است:

جدول شماره ۴: تصمیم گیری در مورد مخارج روزانه

جمع	زنان خانه دار	زنان شاغل	وضعیت اشتغال زنان
			تصمیم‌گیری در مورد مخارج روزانه
۳۴	۳۰ ٪۳۱	۱۴ ٪۱۶	خودم
۷۴	۲۰ ٪۲۱	۵۴ ٪۶۳	خودم و همسر
۵۲	۴۳ ٪۴۶	۹ ٪۱۲	همسر
۱۰	۲ ٪۲	۸ ٪۹	بی جواب
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع

$$X^2 = ۳۸/۷۵۴ \quad df=۳ \quad Sig=0/000$$

در مورد تصمیم گیری در چگونگی محاسبه مخارج روزانه منزل، با توجه به مقدار $X^2 = ۳۸/۷۵۴$ با درجه آزادی ۳ در سطح معناداری $\alpha = ۰/۰۰۰$ نشان از معناداری رابطه دو

متغیر دارد و شدت همبستگی رابطه این دو متغیر از طریق دستور $V = 0/477$ GRAMERS V متوسط می باشد.

جدول شماره ۵: میزان تصمیم گیری زنان در مورد چگونگی رفت و آمد با بستگان

جمع	زنان خانه دار	زنان شاغل	وضعیت اشتغال زنان تصمیم گیری
۴۲	۲۰ %۲۴	۲۲ %۲۵	خودم
۸۲	۳۰ %۳۶	۵۲ %۶۱	خودم و همسر
۴۱	۳۳ %۳۸	۸ %۱۱	همسر
۵	۲ %۲	۳ %۳	بی جواب
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع

$$\chi^2 = 20/398 \quad df = 3 \quad Sig = 0/000$$

در مورد تصمیم گیری در مورد رفت و آمد با بستگان با توجه به مقدار $\chi^2 = 20/398$ با درجه آزادی ۳ در سطح $\alpha = 0/000$ نشان از معناداری رابطه دو متغیر دارد، شدت همبستگی رابطه این دو متغیر از طریق دستور $V = 0/477$ GRAMER'S V متوسط است.

جدول شماره ۶: میزان تصمیم گیری زنان در مورد امور مربوط به فرزندان

جمع	زنان خانه دار	زنان شاغل	وضعیت اشتغال زنان
			تصمیم گیری
۹	-	۹ ٪۱۰	خودم
۱۲۲	۶۶ ٪۷۹	۵۶ ٪۶۵	خودم و همسر
۳۲	۱۶ ٪۱۸	۱۶ ٪۲۱	همسر
۷	۳ ٪۳	۴ ٪۴	بی جواب
۱۷۰	۸۵	۸۵	جمع

$$\chi^2 = 9.903 \quad df = 3 \quad sig = 0.019$$

تصمیم گیری در مورد فرزندان با توجه به مقدار $\chi^2 = 9.903$ با درجه آزادی ۳ و سطح معناداری $\alpha = 0.019$ رابطه داری را نشان می دهد، شدت همبستگی رابطه دو متغیر از طریق $V = 0.242$ RAMERS'G ضعیف است.

نتیجه گیری

از نتایج داده های حاضر، آنچه بدست آمد، این است که، شکل سنتی ساختار خانواده ساختار خانواده در شهرستان ایلام دچار تحول شده و اقتداری که مردان در خانواده های گسترده ده های گذشته داشتند تا حدودی از بین رفته است و قدرت تصمیم گیری در واحد خانواده بیشتر شکل افقی پیدا کرده است. در نتیجه مردان به تنهایی تصمیم گیرنده نیستند و زنان نیز در تصمیم گیری های مهم خانواده دخالت آشکار دارند، به طوری که نتیجه عمل به نام مادر یا زن در چارچوب خانواده معلوم می شود.

لازم به ذکر است در گذشته ممکن بود زنان نیز در تصمیم گیری ها دخالت داشته باشند. ولی به شکل پنهان بوده و نتیجه به نام مردان مشخص می شد یعنی هیچ مردی حاضر نمی شد،

طوری معرفی شود که زن او تصمیم گیرنده است. در جامعه حاضر قدرت تصمیم‌گیری و همفکری زنان شاغل بیشتر از زنان خانه‌دار است و اشتغال زنان به عنوان یک پدیده جدید در ساختار سنتی خانواده، آن را دچار تحول کرده است. در نتیجه شکل عمودی قدرت مردان تا حدودی دچار تغییر شده است و این برمی‌گردد به اینکه زنان شاغل قدرت استدلال و استنتاج بیشتری دارند و در نتیجه‌ی حضور در مکان‌های فراتر از محیط منزل دایره اطلاعات‌شان گسترده‌تر است. بدین ترتیب بیشتر از زنان خانه‌دار قدرت تصمیم‌گیری دارند و یا شاید قدرت تصمیم‌گیری بالای زنان باز گردد به اجبار زندگی نوین بر جامعه‌ی سنتی که زن مجبور است طبق قانون کار ساعاتی از روز را بدون اختیار خویش در محیط کار به فعالیت پردازد. بنابراین نمی‌تواند تنها به خواست بقیه اعضای خانواده عمل نماید، بلکه باید خود نیز تصمیم‌گیرنده باشد، با توجه به اطلاعات بدست آمده جامعه حاضر ایلام ترکیبی است از جوامع سنتی و مدرن و فشار این دوگانگی بر دوش کسانی است که در میانه این دو نیمه قرار دارند.

منابع

- ۱- رو، مارتین. مقدمات جامعه‌شناسی. ترجمه: منوچهر صبوری. تهران: نشر نی. ۱۳۸۰.
- ۲- بیرو، آلن. فرهنگ علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ دوم: ۱۳۷۰.
- ۳- دفتر پژوهش‌های فرهنگی وابسته به مراکز فرهنگی - سینمایی. حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر. ۱۳۶۹.
- ۴- زنجان، حبیب‌الله. سیاست‌های جمعیتی و چگونگی اثرگذاری آن بر تقاضای اشتغال در ایران. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. جلد دوم. ۱۳۷۳.
- ۵- زنجان، زاده، هما. زنان، جمعیت، توسعه. مجموعه مقالات سمینار جامعه‌شناسی و توسعه. جلد دوم. ۱۳۷۳.
- ۶- زنجان، زاده، هما. زنان، برابری جنسیتی، مشکلات و موانع. مجموعه مقالات بررسی موانع فرهنگی توسعه استان ایلام. ۱۳۸۳.
- ۷- ساروخانی، باقر. دایره‌المعارف علوم اجتماعی. تهران: انتشارات کیهان. چاپ اول: ۱۳۷۰.
- ۸- ساروخانی، باقر. مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: انتشارات سروش. چاپ دوم: ۱۳۷۵.
- ۹- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام. ۱۳۷۸. گزارش جامع اقتصادی و اجتماعی.

- ۱۰- سگالن، مارتین. جامعه‌شناسی تاریخی خانواده. ترجمه: حمید الیاسی. تهران: نشر مرکز. چاپ اول: ۱۳۷۰.
- ۱۱- سووه، توماس. فرهنگ اصطلاحات اجتماعی و اقتصادی. ترجمه: آزاده. تهران: انتشارات مازیار. چاپ اول: ۱۳۴۵.
- ۱۲- صادقیپور، ابوالفضل. مباحثی در مهندسی اجتماعی. مرکز آموزش مدیریت دولتی. ۱۳۷۵.
- ۱۳- صفوی، بیژن. نگاهی به توسعه در استان ایلام با تأکید بر متغیرهای فرهنگی. مجموعه مقالات برای موانع فرهنگی توسعه استان ایلام. ۱۳۸۳.
- ۱۴- گیدنز، آنتونی. دورکیم. ترجمه: یوسف آبادی. تهران: انتشارات خوارزمی. ۱۳۶۳.
- ۱۵- میسل، آندره. جنس اجتماعی زنان. ترجمه: هما، زنجانی‌زاده. تهران: نشر نیکا. ۱۳۷۲.
- ۱۶- محسنی تبریزی، علیرضا. روانشناسی اجتماعی (جزوه درسی). تهران: دانشکده علوم اجتماعی. ۱۳۷۰.
- ۱۷- گالبرایت، آناتومی قدرت. ترجمه: محبوبه مهاجر. تهران: انتشارات سروش. ۱۳۷۱.
- ۱۸- قندهاری، پردیس. زن و قدرت. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی. ۱۳۸۲.